

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محفل فرهنگى عين الحياة

# تجوید مقدماتى

تهیه و تنظیم : جمال نصیری

مرتضى شایان

زیر نظر : محسن توکلی

رمضان المبارک ۱۴۲۸

## مقدمه

قرائت قرآن یکی از وظایف مسلمانان است که در خود قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام مورد سفارش قرار گرفته است؛ چرا که با قرائت است که انس با این کتاب آسمانی حاصل خواهد شد و مفاهیم حیات بخش آن در جانها نفوذ خواهد کرد و به فکر و سپس به عمل ما جاودانگی می بخشد. پس هر مسلمانی باید قرائت قرآن را جزء برنامه های روزانه خود قرار دهد؛ همانطور که خداوند متعال می فرماید: ((... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضِيَ وَ آخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ...)) «المزمل/آیه ۲۰» ((... اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید. او می داند به زودی گروهی از شما بیمار می شوند و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می روند و گروهی دیگر برای خدا جهاد میکنند (و از تلاوت قرآن باز می مانند) پس به اندازه ای که برای شما ممکن است قرآن بخوانید...))

و امام صادق علیه السلام می فرماید: (( الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَ أَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً )) (الكافی ج ۲ ص ۶۰۹) و از طرفی قرائت قرآن باید به طور صحیح و متناسب با این کتاب آسمانی باشد و همانطور که قرآن کریم می فرماید باید با ترتیل خوانده شود: (( وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا )) «المزمل/۴» چنانچه امیر المومنین علی علیه السلام در مورد ترتیل می فرماید: «آن را به طور روشن بیان کن نه مانند اشعار، سریع و پشت سر هم بخوان و نه مانند دانه های شن آن را پراکنده ساز؛ لکن چنان بخوان که دلهای سخت را با آن بکوبی و بیدار کنی. هدف شما این نباشد که حتماً به آخر سوره برسید.» (اصول کافی ج ۲ باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن) و در روایات معصومین علیهم السلام روایاتی

در این مورد صادر شده است که تعدادی از این احادیث در زیر خواهد آمد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ: زَيُّوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا (مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۲۷۳)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ: اقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِّ الْعَرَبِ وَ أَصْوَاتِهَا (الكافی ج ۲ ص ۶۱۴)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَ حَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ (الكافی ج ۲ ص ۶۱۵)

عن الصادق علیه السلام: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَأَقْرَأُوهُ بِالْحُزْنِ (الكافی ج ۳ ص ۶۱۴)

برای حاصل شدن آنچه مورد تاکید قرآن و معصومین است علمی به وجود آمده که یکی از آنها علم تجوید است و به واسطه این علم قرآن به عربی صحیح، همانگونه که نازل شده، خوانده خواهد شد. علاوه بر اینکه علم تجوید کمک میکند به چند آیه قرآن و احادیث وارده در این زمینه عمل کنیم و قرائت و اذکار نماز را درست اداء کنیم که طبق فتاوی مراجع از واجبات نماز است (مساله ۱۰۰۰ رساله های عملیه) و برای نمونه ما مسئله را از رساله ی حضرت امام علیه السلام ذکر می کنیم: «اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند یا عمداً آن را نگوید یا به جای حرفی دیگر بگوید، مثلاً به جای

(ض) (ظ) بگوید یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود زیر و زبر بدهد یا تشدید را نکوید نماز او باطل است. »

توجه به اینکه علم تجوید فواید دیگری هم دارد از جمله به علاقه مندان مکالمه عربی در این زمینه کمک خواهد کرد و فهم قرآن را از طریق استماع آسان می کند .

با توجه به آنچه بیان شد این جزوه تحت عنوان تجوید مقدماتی ارائه میشود و برای قرآن آموزانی آماده شده است که فته ، ضمه ، کسره و تنوین های آن را بشناسند و با سکون ، تشدید ، حروف مدی ، حروف ناخوانا و طرق وقف - که در روخوانی و روانخوانی تدریس می شود - آشنا باشند . امید است که مورد قبول حضرت حق واقع شود.

\*\*\*\*\*

### چند مدخل :

در لغت : مصدر باب تفعیل از جود به معنای نیکو کردن است .

۱) تعریف تجوید

در اصطلاح : نیکو ادا کردن حروف را گویند به طوری که حق هر حرف به تنهایی

یا در ترکیب کلمات بخوبی ادا شود و یک قسم از ترتیل است.

المزمل / ۴: " وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيْلًا "

حدیثی از امام علی (ع) : الترتیلُ حفظُ الوقوفِ و أداءُ الحروفِ  
الف ب  
(بحار الانوار ، ج ۶۴ ، ص ۳۲۴)

الف : حفظ الوقوف : رعایت محل وقف ها (علم وقف و ابتدا)

ب : اداء الحروف : نیکو ادا کردن حروف (علم تجوید)

۱- مخارج حروف : مکان هایی از لب ، دهان یا حلق که حرف از آن جا

ادا می شود.

۲- صفات حروف : ویژگیهای هر حرف بدون در نظر گرفتن آن

حرف در کلمه

۳- احکام حروف : ویژگیهای هر حرف با در نظر گرفتن آن حرف در

کلمه

۲) اقسام تجوید

### ۳) تغییر لهجه از فارسی به عربی :

۱- حرکات کوتاه و بلند	مراحل عربی کردن لهجه
۲- مخارج حروف	
۳- درشت و نازک ادا کردن حروف (تفخیم و ترقیق) ← جزئی از احکام حروف است	

- حرکات کوتاه و بلند :

۱- حرکت کوتاه :  $\overset{\cdot}{\text{—}} \underset{\cdot}{\text{—}}$

- فتحه در عربی و فارسی یکسان است
- کسره در عربی (ای) کوتاه است
- ضمه در عربی (او) کوتاه است

۲- حرکات بلند :  $\overset{\cdot}{\text{—}} \overset{\cdot}{\text{—}}$  ا ی و

الف مدی یاء مدی واو مدی

- یاء مدی و واو مدی در عربی و فارسی یکسان است .

یا مدی : نتیجه کشش کسره است .  
واو مدی : نتیجه کشش ضمه است.

- الف مدی در فارسی درشت و پرحجم ادا می شود ولی در عربی دو گونه است

(۱) الف نازک : ۲۰ مورد است و نتیجه کشش فتحه است.

(۲) الف درشت و پرحجم : ۸ مورد است و مانند الف فارسی است.

الف مدی (۱-)

## الف درشت و پرحجم :

الف مدی بعد از ۸ حرف : **ص, ض, ط, ظ, غ, ق, خ, ر** درشت و پرحجم ادا می شوند.

مثال : صالحین , ضالین , طالوت , ظالم , غافرین , قال , خالق , رازق

نکته : بعد از حرف **ع** , **الف** نازک ادا می شود.

## ع) حروف مقطعه بدون تکرار :

صراطٌ عَلَيَّ حَقٌّ نُمْسِكُهُ ← راه علی حقی است که به آن تمسک می جوئیم.

نکته : حروف مقطعه بر سر ۲۹ سوره آمده و باید قطعه , قطعه و به اسم شان خوانده شود با این

تفاوت که همزه آخر اسم حروف خوانده نمی شود . حاء = حا

## فصل اول : مخارج حروف

مخارج جمع مخرج است به معنی محل خروج

هر حرف یک شکل , یک اسم و یک تلفظ دارد .

در شکل : ۲ حرف ک - ة - ة

در اسم : ۱۲ حرف باء , تاء , ثاء , حاء , خاء , راء , زاء و ...

در تلفظ : ۱۰ حرف

تفاوت ۲۸ حرف در عربی و فارسی

نکته : تلفظ ده حرف **ث, ح, ذ, ص, ض, ط, ظ, ع, غ, و** در عربی و فارسی متفاوت است

## شروع مخارج حروف :

حرف **ث** (ثاء) : حرفی نوک زبانی است و هنگام تلفظ آن تارهای صوتی به ارتعاش در نمی آیند.

توضیح : حرف ثاء از برخورد نوک زبان با نوک دندانهای پیشین بالا (دندانهای ثنایای بالا) ایجاد

می شود به این صورت که هوا از حلق خارج شده , بدون ارتعاش تارهای صوتی و به نوک زبان

رسیده و به صورت دمیده شدن از نوک زبان خارج می گردد و حرف «ثاء» ایجاد می شود.

مثال : ثَقُلْتُ , اِنَّا قُلْنَا , ثِيَابًا , مَثْوَاكُمْ , مُدَّثِرٌ , كَثِيرًا , حَثِيثًا , ثُعْبَانٌ , بَثٌّ , نَجًّا جَاءً

**حرف ذ (ذال):** حرفی نوک زبانی است و تارهای صوتی هنگام تلفظ آن به ارتعاش در می آید.

**توضیح:** همانند حرف «ثاء» ایجاد می شود با این تفاوت که هنگام تلفظ آن تارهای صوتی به ارتعاش در می آیند.

مثال: الذین , ذراعاً , ذنوب , أذاعوا , مؤذّن , تذبذبا , مذكورا , مُذَبِّبِينَ , ذباباً , ذُرِّيَّتِي

**حرف ظ (ظاء):** حرفی نوک زبانی است ، تارهای صوتی در آن به ارتعاش در می آیند و حرفی درشت و پرحجم است.

**توضیح:** مانند حرف «ذال» اداء می شود با این تفاوت که حرف «ظاء»، حرفی درشت و پرحجم است.

مثال: أَظْلَمَ , عَظِيمٌ , ظُلُمَاتٍ , ظِلَالٍ , ظَالِمِينَ , ظُفْرٍ , عِظَامًا , فَعِظُوهُنَّ , حَافِظِينَ , مِنَ الظُّهَيْرَةِ

**نکته ۱:** در حرف «ظاء» برای درشت اداء شدن ، دهان عمودی باز می شود ولی در حرف «ذال» برای نازک اداء شدن دهان افقی باز می شود.

**نکته ۲:** ۳ حرف **ث , ذ , ظ** نوک زبانی هستند و از یک مخرج اداء می شوند.

**حرف ح (حاء):** از وسط حلق ادا می شود و حرفی نازک (مُرَقَّق) است .

**توضیح:** هوا از شش ها عبور کرده ، به وسط حلق می رسد، دیواره ی حلق تنگ شده و بدون ارتعاش تارهای صوتی صدای «حاء» با گرفتگی خاصی (بحه) شنیده می شود .

مثال: أَحْسَنَ , حَلَالًا , سَحِيقٍ , أَشِحَّةً , حُرْمَاتٍ , الرَّحْمَنِ , الرَّحِيمِ , أَحَدٍ , الْحَمْدُ , سُبْحَانَ

**حرف ع (عين):** از وسط حلق ادا می شود و حرفی نازک (مُرَقَّق) است .

**توضیح:** هوا از شش ها وارد حلق شده ، دیواره حلق تنگ می شود ، تارهای صوتی به ارتعاش در می آیند و صدای «عين» ایجاد می شود.

مثال: نَعْبُدُ , نَسْتَعِينُ , سَعِيًّا , عَابِدٌ , أَعُوذُ , عَالَمِينَ , أَنْعَمْتَ , عَلَيْهِمْ , أَعْلَى

ابتدای حلق	خ	حلق
	غ	
وسط حلق	ح	
	ع	
آخر حلق	هـ	
	ء	

ابتدای حلق : ادنی الحلق      وسط حلق : وسط الحلق      آخر حلق : اقصی الحلق

حرف غ (غین): از ابتدای حلق اداء می شود، حرفی درشت و مُفَخَّم است .

**توضیح:** هوا از شش ها عبور کرده به ابتدای حلق می رسد تارهای صوتی به ارتعاش در می آید و صدای «غین» با حالتی شبیه غرغره کردن شنیده می شود .

**نکته:** صدای «غین» نرم می باشد و در صورتی که این نرمی وجود نداشته باشد ، حرف «غین» به «خاء» تبدیل می شود .

مثال : یَغْشِي ، أَفْرِغ ، مَغَارِيهَا ، غِلُّ ، غِلَاطٌ ، غَاسِقٌ ، غَيْرٌ ، الْمَغْضُوبِ ، غَالِبٌ ، مَغَانِمٌ

**حرف ص (صاد):** از برخورد نوک زبان با دندانهای پیشین پایین ادا می شود و حرفی درشت (مفخم) است .

**توضیح:** هوا از حلق عبور کرده و بودن ارتعاش تارهای صوتی به مخرج «صاد» می رسد، زبان به دندانهای پیشین پایین برخورد می کند و مجرای تنگی را ایجاد می کند، در این حالت هوا از بین این مجرا عبور کرده و حرف «صاد» شنیده می شود.

**نکته:** حرف صاد دارای تفخیم (درشتی) و صفت صغیر (سوت مانند) است «سین درشت»

مثال : الصِّرَاطُ ، الصَّمَدُ ، بالصَّبْرِ ، صُحُفٌ ، صِلٌ ، الْقَصَصُ ، النَّاصِيَةِ ، الصَّالِحَاتُ ، الصَّالِحِينَ ، وَصَى

**حرف ض (ضاد):** از برخورد کناره زبان با دندانهای آسیا ایجاد شده و حرفی درشت (مفخم) است.  
**توضیح:** هوا از حلق عبور کرده، تارهای صوتی به ارتعاش در می آیند، کناره زبان به دندانهای آسیا (اضراس) برخورد کرده (چپ یا راست) از آخر به سمت جلو کشیده می شود (استیطاله)، هوا از بین آن عبور کرده و حرف «ضاد» با درشتی (تفخیم) شنیده می شود. «دال درشت دندانی»

**مثال:** الْمَعْضُوبِ، الضَّالِّينَ، أَضْحَكَ، يَضْرِبِينَ، رِضْوَانًا، ضَرَبَ، ضِعَافًا، مُضَاعَفَةً، وَالضُّحَى، نَضِجَتْ

**حرف ط (طاء):** از برخورد نوک زبان با لثه دندانهای پیشین بالا ایجاد شده و حرفی درشت (مفخم) است.

**توضیح:** با عبور هوا از حلق و به ارتعاش در آمدن تارهای صوتی و رسیدن هوا به نوک زبان ایجاد می شود، زبان در این حالت بین لثه ها و دندانهای پیشین بالا قرار گرفته و به یکباره رها می شود و صدای درشت «طاء» شنیده می شود «تاء درشت است».

**مثال:** يُطْعَمُونَ، مُطَاعٍ، يَطُوفُ، طَفِقَ، تَطَّلِعُ، عَطَّلَتْ، سَطِحتَ، طَرَائِقَ، وَالطَّارِقَ، أَطَاعُونَا

**نکته:** مخرج حروف د، ط، ت یکی است ولی صفات آنها متفاوت است.

**حرف و (واو):** با گرد شدن لبها ایجاد شده و حرفی نازک (مرقق) است.

**توضیح:** با عبور هوا از حلق و به ارتعاش در آمدن تارهای صوتی و رسیدن به لب ها ایجاد می شود، توجه اینکه واو در فارسی از برخورد دندانهای پیشین بالا با لب پایین (شغه) ایجاد می شود ولی در عربی با گرد کردن لبها بوجود می آید.

**مثال:** يَتَوَلَّى، والدتي، تُوَسَّسُ، واحدةً، لَوَّاهُ، وَجُوهُكُمْ، تَوَكَّلْ، غَوَاصٍ، وَجَدَهَا، دَاوُدَ

## فصل دوم: صفات حروف

تعریف صفات حروف: به کیفیت تولد و خروج حرف از مخرج آن صفات حرف می گویند.

ضرورت شناخت صفات حروف:

۱- شناخت تفاوت حروف هم مخرج

۲- بهتر ادا کردن حرف



## مثال برای شناخت تفاوت حروف هم مخرج :

«ط» با «ت» هم مخرج اند ولی ط صفت استعلاء دارد و ت صفت استفال دارد لذا ط درشت ادا می شود .

## مثال برای بهتر ادا کردن حرف :

اگر بدانیم «ض» صفت استطاله دارد آن را انفجاری ادا نمی کنیم و «ص» بهتر تلفظ می شود .

## - صفات حروف به طور کلی ۲ دسته اند :

۱- صفات اصلی : صفاتی که دارای متضاد هستند و ۱۰ تا هستند .

- |                    |                        |                          |
|--------------------|------------------------|--------------------------|
| ۱- استعلاء- استفال | ۲- شِدَّة - رِخْوَة    | ۳- اِطْبَاق - اِنْفِتَاح |
| ۴- جهر- همس        | ۵- اِصْمَات - اِذْلَاق |                          |

۲- صفات فرعی : صفاتی که متضاد ندارند و ۱۰ تا می باشند .

- |            |               |          |           |             |
|------------|---------------|----------|-----------|-------------|
| ۱- صغیر    | ۲- قَلَقَلَة  | ۳- لَین  | ۴- انحراف | ۵- تکریر    |
| ۶- تَفَشِي | ۷- اِسْطَاطَة | ۸- غَنَة | ۹- بُحَة  | ۱۰- نَبْرَة |

## صفات اصلی :

### استعلاء :

در لغت : به معنی برتری طلبی است .

در اصطلاح : بالا آمدن ریشه زبان به سوی کام بالا در خلال تلفظ حرف است.

### نکات :

- ۱- استعلاء موجب درشت ادا شدن حرف می شود که به آن تفخیم می گویند . (استعلاء موجب تفخیم است )
- ۲- به حروفی که استعلاء دارند , حروف مُسْتَعْلِيَة می گویند و ۷ حرف می باشند : ص , ض , ط , ظ , غ , خ , ق

## استفال :

**در لغت :** به معنی سست شدن و پایین آمدن است .

**در اصطلاح :** به معنی پایین آمدن و دور شدن ریشه زبان از کام بالا است .

## نکات :

۱- استفال سبب نازک و کم حجم ادا شدن حروف می شود که به آن ترفیق می گویند.

(استفال موجب ترفیق است)

۲- به حروفی که استفال دارند ، حروف مُسْتَفَلَّة می گویند و شامل ۲۱ حرف می باشند.(همه

حروف غیر از حروف مستعلیه)

## صفات فرعی :

### قَلَقَلَة :

**در لغت :** به معنی جنبش ، بی قراری و تحریک است .

**در اصطلاح :** به معنای جنبش مختصر حرف در حالت سکون است.

## نکات :

۱- پنج حرف ق - ط - ب - ج - د (قطب جد) در هنگام ساکن شدن یا بودن از مخرج خود

رها می شوند به این صفت قَلَقَلَة می گویند.

۲- علت قلقله این است که صدای حرف شنیده شود، توجه اینکه در پنج حرف مذکور اگر

قلقله در هنگام سکون آن حروف نباشد، به علت انفجاری بودن آن حروف، محبوس شده و

شنیده نمی شوند .

مثال : أَقْلَامٌ ، أَطْرَافٌ ، أَبْرَارٌ ، أَدْبَارٌ ، بِالْحَجِّ ، بَعِيدٌ ، بَهِيحٌ ، أَجْدَاثٌ ، طَرِيقٌ

## نَبْرَة :

**در لغت :** به معنای فرازمندی ، تسلط و اشراف است .

**در اصطلاح :** به صدای قوی ، رسا و تیز همزه (ة) می گویند.

مثال : مُؤْمِنِينَ , بَأْسٌ , سَبَّأٌ , أَمَرَ , سَأَلَ

#### نکات :

- ۱- اگر همزه با نبره ادا شود اصطلاحاً می گوئیم تحقیق همزه و اگر بدون نبره ادا شود , تسهیل همزه می گوئیم .
- ۲- نبره باعث تمایز همزه از «ع» و «ا» می شود.
- ۳- همزه از انتهای حلق ادا شده و یک دفعه رها می گردد.

#### غَنَّةٌ :

در لغت و اصطلاح : به صدایی که از بینی (خیشوم) شنیده می شود غَنَّةٌ می گویند.

#### نکات :

- ۱- دو حرف «ن» و «م» دارای صفت غَنَّةٌ هستند که در حالت سکون به علت بسته شدن دهان غَنَّةٌ بیشتری دارند .
- ۲- غَنَّةٌ ی «ن» و «م» در حالت مشدد , در ادغام «ن» در یمون , کلیه ی اخفاء ها و اقلاب به اندازه دو حرکت ادامه می یابد.

مثال : ثُمَّ , إِنَّ , إِنَّا , أَمَّنْ

#### فصل سوم : احکام حروف

تعریف احکام حروف : به تغییرات مختلفی که در اثر ترکیب در کلمه برای حرف پیش می آید

احکام حروف می گویند و شامل ۴ قسمت است :

- ۱- احکام تفخیم و ترقیق
- ۲- احکام ادغام
- ۳- احکام «ن» و «م» ساکنه
- ۴- احکام مدّ و قصر

## - احکام تفخیم و ترقیق:

**تعریف:** تفخیم در لغت به معنای بزرگداشت و در اصطلاح به معنای درشت و پر حجم تلفظ نمودن حروف است (هنگام تلفظ حرف باد در گلو انداختن).  
ترقیق در لغت به معنای سبک و رقیق کردن است و در اصطلاح علم تجوید به معنای رقیق و کم حجم اداء کردن حروف است.

## موارد تفخیم و ترقیق:

۱- تفخیم حروف استعلاء و ترقیق حروف استفال: حروف مستعلیه «ص, ض, ط, ظ, غ, ق, خ» درشت و پرحجم ادا می شوند و حروف مستغله (۲۱ حرف مابقی) نازک و کم حجم ادا می شوند.

### نکات:

۱- حروف الف مدی (ا), لام (ل), راء (ر) از حروف مُسْتَقَلَّة, حکم خاص خود را دارد.

۲- تفخیم حروف مستعلیه (همان ۷ حرف), پنج مرتبه دارد که از حداکثر به حداقل عبارتند از:

الف ( پایه ی الف مدی	الظاهر	(بعد آن الف می آید پایه الف مدی)
ب) مفتوح	ظَهَرَ	
ج) مضموم	ظَلَمَات	
د) ساکن	يُظهِرُ	
ه) مکسور	ظِلَالُهَا	

۲) الف مدی: بعد از ۸ حرف «ص, ض, ط, ظ, غ, ق, خ, ر» درشت و بعد از ۲۰ حرف مابقی نازک ادا می شود.

۳) حرف لام (ل): همیشه ترقیق می شود مگر در لفظ جلاله (الله) اگر قبل از آن فتحه ( ) یا ضمه ( ) باشد.

برای تفخیم: اللهُ, إِنَّ اللهُ, يَدُاللهِ

### مثال:

برای ترقیق: بِسْمِ اللهِ, الْحَمْدُ لِلَّهِ, بِاللَّهِ, رَسُولِ اللهِ, خَلَقَ

**نکته:** اصطلاحاً به تفخیم لام در لفظ جلاله تغلیظ گفته می شود.

ع) تفخیم و ترقیق حرف راء (ر): حرف «راء» گاهی تفخیم و گاهی ترقیق می شود، برای شناخت موارد تفخیم و ترقیق «راء» دو نکته زیر را باید در نظر بگیریم:

۱- فتحه ( )، ( )، الف مدی و واو مدی از خانواده ی تفخیم، و کسره و یاء مدی و حرف یاء از خانواده ی ترقیق هستند.

۲- برای شناخت تفخیم و ترقیق «راء» اگر حرف «راء» متحرک بود به حرکت آن توجه می کنیم و اگر ساکن بود به حرکت قبل از آن توجه می کنیم.

### موارد تفخیم حرف «راء»

- ۱- راء مفتوح یا مضموم = رَسول، فراراً، رُقوداً، خَبيرُ
- ۲- راء ساکن ماقبل مفتوح یا مضموم = أرْبِي، الْقَمَرُ، قُرْبِي
- ۳- راء ساکن ماقبل ساکن ما قبل مفتوح یا مضموم = وَالْفَجْرُ، بِكُمُ الْعُسْرُ، وَالْوَيْزُ = هنگام وقف
- ۴- راء ساکن ماقبل الف یا واو مدی = نارُ، الْقَرَارُ، نورُ، الْغُرُورُ = هنگام وقف
- ۵- راء ساکن ماقبل همزه ی وصل = رَبِّ ارْجِعُونِ، إِنَّ ارْتَبْتُمْ
- ۶- راء ساکن مابعد حرف استعلاء (به شرط وجود در یک کلمه): = فِرْقَةٌ، مِرْصَادٌ، قِرْطَاسٌ

### موارد ترقیق حرف «راء»

- ۱- راء مکسور = رِجَالٌ، سُرُرٌ، تُرِيحُونَ
- ۲- راء ساکن ماقبل مکسور = عَسِيرٌ، الْارْبِيَّةُ
- ۳- راء ساکن ماقبل ساکن ماقبل مکسور = الذُّكْرُ، السَّحْرُ = هنگام وقف
- ۴- راء ساکن ماقبل «ياء مدی» ( ) = قَدِيرٌ، يَسِيرٌ، خَبِيرٌ = هنگام وقف
- ۵- راء ساکن ماقبل یاء ساکن ( ) = الْخَيْرُ، السَّيْرُ

### - احکام ادغام:

**در لغت:** به معنای داخل نمودن است

**در اصطلاح:** به معنی حذف حرف ساکن و مشدد اداء نمودن حرف بعدی است.

**توضیح:** هرگاه دو حرف کنار هم قرار گیرند در صورتی که حرف اول ساکن و حرف دوم متحرک باشد، حرف اول (مدغم) را حذف کرده و حرف دوم (مُدَّ غَمَّ فیه) را مشدد ادا می کنیم با «شرایط ویژه».

مثال: مین نار خواندن مینار

**نکته:** علت و (فایده ی) ادغام سهولت در تلفظ است.

### انواع ادغام:

۱- ادغام متماتئین

۲- ادغام متجانسین

۳- ادغام متقاربین

**ادغام متماتئین:** ادغامی که دو حرف مدغم و مدغم فیه در مخرج و صفت با هم برابرند.

مثال: اذهب بکتابی - قد دخلو - قل لهم

فلا يسرف في القتل - يدرككم - او وزنوا - يوجهه

**ادغام متجانسین:** ادغامی که حروف مدغم و مدغم فیه در مخرج یکسان و در صفت متفاوت باشند

مانند: (ص, س, ز - د, ت, ط - ع, ح - ش, ی, ج)

**نکته:** ادغام متجانسین در روایت حفص از عاصم فقط در موارد زیر است:

الف) «ب» در «م» تنها مورد آن                      اركب معنا اركمنا (هود/ ۴۲)

ب) «ت, د, ط» دو به دو در یکدیگر

مثال: اتقلت دعوا الله , همت طائفه , قدنبين , بسطت

ج) «ث, ذ, ظ» دو به دو در یکدیگر

مثال: يلهث ذلك , اذ ظلموا

**ادغام متقاربین:** ادغامی که دو حرف مدغم و مدغم فیه در مخرج و یا صفت به هم نزدیک باشند.

## موارد ادغام متقاربین :

۱- «ق» در «ک»: تنها مورد آن أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ (مرسلات/۷۷)

۲- «ل» در «ر»: قُلْ رَبِّي ، بَلْ رَبُّكُمْ

۳- «ن» در «ل» و «ر»: مِنْ لَدُنْكَ ، مِنْ رَبِّكُمْ ، مَنْ لَا يُجِبُّ ، أَنْ رَبَطْنَا

۴- «ن» در «م, ی, و»: مِنْ مَسَاكِينٍ ، مَنْ يَشَاءُ ، مِنْ وَلِيٍّ

## - احکام «ن» و «م» ساکنه :

احکام «ن» ساکنه و تنوین (تنوین , «ن» ساکنه ای در آخر کلمات است که نوشته نمی شود ولی به جز موارد وقف خوانده می شود) :

هنگامی که ن ساکنه و یا تنوین به ۲۸ حرف عربی برسند ۴ حالت (حکم) پیدا می کند:

۱- اظهار نزد شش حرف حلقی

۲- ادغام نزد شش حرف یرملون

۳- اقلاب نزد حرف باء

۴- اخفاء نزد ۱۵ حرف مابقی

## اظهار نزد شش حرف حلقی :

در لغت : به معنای آشکار کردن است

اظهار :

در اصطلاح : ادای حرف از مخرج خود را گویند.

**توضیح :** هرگاه نون ساکنه یا تنوین ( َ ) به شش حرف حلقی برسند , بدون تغییر از مخرج خود

ادا می شوند به این کار اظهار گویند.

مثال : يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قُرْءُوْا كِتٰبَ اللّٰهِ حَتّٰى يَخْرُجَ مِنْكُمْ الْبَيِّنٰتُ ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ خَبِيْرٌ  
مِنْ اِلٰهِ , غُنَّاءٌ اٰحْوٰى , الْاَنْهَارِ , مِنْ هٰادٍ , جُرْفٍ هٰادٍ , اَنْعَمْتَ , وَاَنْحَرَ , فَسَيُنْغِضُوْنَ , مِنْ خَيْرٍ

**ادغام نزد شش حرف یرملون :** هرگاه تنوین یا نون ساکنه به شش حرف یرملون برسد آن نون

ساکنه یا تنوین حذف شده و حرف بعدی ( ی , ر , م , ل , و , ن ) مشدد ادا می شود .

**نکته:** ادغام «ن» ساکنه و تنوین نزد ع حرف «ی, م, و, ن» همراه با غنة (مع الغنة) و نزد دو حرف «ل,ر» بدون غنه (بلا غنة) است.

**مثال:**

ادغام مع الغنة: مَنْ يَعْمَلُ , إِنَّ يَرَوْا , خَيْرًا يَرَهُ , مِنْ مَالٍ , مَاءٍ مَهِينٍ , مِنْ وَاقٍ , يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٍ , مِنْ نَفْسٍ , مَلِكًا نُقَاتِلُ

ادغام بلا غنة: مِنْ لَدُنكَ , مِنْ رَبِّي , هُدًى لِلْمُتَّقِينَ , بَشَرًا رَسُولًا

نکته: ادغام نون ساکنه و یا تنوین در حروف یرملون در صورتی انجام می گیرد که مد غم و مدغم فیه در یک کلمه نباشند و الا ادغامی صورت نمی گیرد که در ع کلمه قرآن چنین است: دُنْيَا , بُنْيَانٌ , قَنُوانٌ , صِنُوانٌ

**اقلاب نزد حرف باء**

در لغت: به معنای تبدیل کردن است

در اصطلاح: به تبدیل کردن حرف نون ساکنه یا تنوین به

حرف «میم» گفته می شود.

اقلاب

(قلب به میم)

**توضیح:** هرگاه نون ساکنه یا تنوین به حرف «باء» برسد, حرف نون ساکنه یا تنوین به حرف «م» تبدیل شده و حرف «م» نیز اخفاء می شود و با غنه همراه است.

مثال: أَنْبِيَاءٌ , مِنْ بَعْدِ , سَمِيعًا بَصِيرًا , فَانْبِذْ , أَنْ بُورِكَ , عَلِيمٌ بِذَاتِ

**اخفاء نزد ۱۵ حرف مابقی:**

در لغت: به معنای پنهان کردن است

در اصطلاح: به حذف مخرج حرف و باقی گذاشتن غنه ی

آن بدون مشدد کردن حرف بعدی اخفاء می گویند.



**توضیح:** هرگاه ن ساکنه یا تنوین به ۱۵ حرف مابقی برسد، مخرج نون ساکنه یا تنوین حذف شده، دهان در حالت حرف مابقی قرار می گیرد و غنه ی نون به اندازه ۲ حرکت ادامه می یابد، سپس آن حرف مابقی اداء می شود به این کار اخفاء می گویند.

**مثال:** أَنْتُمْ ، يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ ، مَنْثُورًا ، مَنْ تَقَلَّتْ ، أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ، أَنْجَيْنَا ، إِنْ جَنَحُوا ، لِكُلِّ جَعَلْنَا ، عِنْدَهُمْ ، مِنْ دَارِهِمْ ، قِنَوانٌ دَانِيَةٌ ، أَنْذَرَهُمْ ، مَنْ ذَا الَّذِي ، قِنَطَارًا ، مِنْ طِينٍ ، صَعِيدًا طَيِّبًا ، تَتَقَمُونَ ، مِنْ قَبْلِ ، سَمِيعٌ قَرِيبٌ

(داخل مخرج حرف بعدی می رویم سپس ن را بصورت اخفاء ادا می کنیم)

**نکته:** ۱۵ نوع اخفاء داریم.

- احکام «م» ساکنه: هرگاه «م» ساکنه به ۲۸ حرف عربی برسد، سه حکم پیدا می کند که عبارتند از:

۱- ادغام «م» نزد حرف «م»

۲- اخفاء «م» نزد حرف «باء»

۳- اظهار «م» نزد ۲۶ حرف دیگر

**ادغام «م» نزد حرف «م»:** هرگاه «م» ساکنه به حرف «م» دیگری برسد حرف اول (مد غم) حذف شده و حرف دوم (مد غم فیه) مشدد ادا می گردد که همراه با غنه (به مقدار دو حرکت) می باشد.

**مثال:** كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ، لَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ، كُنْتُمْ مَرْضِي ، يُمْتَعِكُمْ مَتَاعًا

**اخفاء «م» نزد حرف «باء»:** هرگاه «م» ساکنه به حرف «باء» برسد، اخفاء می شود یعنی مخرج حرف «م» حذف شده ولی غنه ی آن به مقدار دو حرکت ادامه می یابد سپس حرف «باء» ادا می گردد؛ توجه اینکه در این حالت، لبها کاملاً به هم نچسبیده بلکه به مقدار یک برگ کاغذ بین لبها فاصله می افتد.

**مثال:** تَاتِيهِمْ بَغْتَةً ، أَمْ بِهِ ، فَاحْكُم بَيْنَنَا ، بَعْضَكُمْ بَعْضًا

اظهار «م» نزد ۲۶ حرف دیگر : هر گاه «م» ساکن به ۲۶ حرف دیگر (یعنی غیر از حرف م و ب) برسد، از مخرج خود اداء می گردد ؛ به این حالت اظهار می گویند.

مثال : لَا يَضُرُّهُمْ وَ بَيْنَهُمْ فِيمَا جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ لَهُمْ عَن

چون به واو رسیده = اشد اظهار چون به ف رسیده = اشد اظهار

**نکته :** هنگام اظهار «م» از مکث ، سکت یا قلقله باید خودداری شود.

**نکته :** به ادغام ، اخفاء و اظهار در مورد «م» ساکنه به ترتیب ادغام شفوی ، اخفای شفوی و اظهار شفوی گفته می شود .

مکث : ادای "م" و ماندن روی آن ، همراه باغنه

وقف : انقطاع صوت همراه با تجدید نفس

سکت : انقطاع صوت بدون تجدید نفس

### - احکام مدّ و قصر

در لغت : به معنای فزونی است		مدّ
در اصطلاح : به امتداد و کشش صوت در حروف مدّ و لین گویند		

در لغت : به معنای کوتاهی است		قصر
در اصطلاح : به ادا کردن حروف مد و لین به میزان طبیعی گویند (مدّ طبیعی).		

### ساختمان مدّ :

هر مدی از دو قسمت تشکیل شده است :

الف ( حرف مدّ

ب) سبب مدّ

**حروف مدّ :** به الف مدی ، واو مدی ، یاء مدی و حروف لین ( و ، ی ) حروف مدّ می گویند .

**سبب مدّ :** به همزه ( ء ) ، سکون ( ° ) و تشدید ( ّ ) سبب مدّ گفته می شود .

**نکته:** هرگاه یکی از حروف مدّ به یکی از سبب های مدّ برسد ، مدّ (منظور کشش بیش از حد طبیعی) بوجود می آید.

**مثال:** الم

**لام:** در اینجا الف مدی به سکون رسید

**میم:** در اینجا یاء مدی به سکون رسید پس مد بوجود می آید.

**نکات:**

**نکته ۱:** علت و فائده ی مدّ ، قوی کردن حروف مدّ (که ضعیف می باشند) در برابر قوت و سختی همزه ، سکون و تشدید می باشد و از طرف دیگر آماده کردن شنونده برای شنیدن آنها می باشد.

**نکته ۲:** براساس مختلف بودن حروف و سبب مد ، حداقل ۵ نوع مد بوجود می آید.

**انواع مد:**

۱- **مد متصل (مدواجب):** به مدی می گویند که حروف مد آن (یکی از حروف مدی (ا، و، ی)) و سبب آن (که همزه می باشد) در یک کلمه واقع شده باشند.

**مثال:** السَّمَاءُ ، يَشَاءُ ، سَاءَ ، اَوْلٰئِكَ ، خَطِيئَةٌ ، سَوَاءٌ ، سِيَّءٌ

**نکته:** مقدار کشش مد متصل ۴ یا ۵ حرکت می باشد .

(ترجیحاً ۴ حرکت بکشید)

۲- **مدّ منفصل (مد جایز):** به مدی می گویند که حروف مد [یکی از حروف مدی (ا، و، ی)] و سبب آن (که همزه می باشد) در دو کلمه واقع شده باشند.

**مثال:** هُوَ لَآءٌ ، اِنَّا اَنْزَلْنَا ، قَالُوا اذْنَاكَ ، فِيْ اَنْفُسِهِمْ ، حِكْمَةٌ اٰحَدًا ، لَهٗ اَمْدٌ ، مَا اَنْزَلْنَا



**نکته:** میزان کشش مد منفصل ۲ یا ۴ یا ۵ حرکت می باشد (ترجیحاً ۴ حرکت بکشید)

۳- **مد لازم:** به مدی می گویند که حروف مد (ا، و، ی) و سبب آن ( ، ° ، ° ) در یک کلمه واقع شوند .

**مثال:** صَّ ، قَّ ، حَمَّ عَسَقًا ، اَلْمَ ، حَاجُّ ، وَلَا الضَّالِّينَ ، ءَا لَانَ

**نکته:** مقدار کشش این نوع مدّ، ۶ حرکت است.

۴- **مدّ عارض:** به مدّی گویند که حروف مدّ (ا، و، ی) و سبب آن (سکون عارضی) در یک کلمه واقع شوند.

مثال: تَكْذِبَانِ ، البروج ، متّقين ، تَعَلَّمُونَ

**نکات:**

**نکته ۱:** سکون بر دو نوع است ۱- لازم (جزء خود کلمه) ۲- عارض (هنگام وقف ایجاد می شود)

**نکته ۲:** مقدار کشش مد عارض، ۲ یا ۴ یا ۶ حرکت می باشد.

۵- **مدّ لین:** به مدّی می گویند که حروف مدّ (و، ی) «حروف لین» و سبب آن (سکون عارضی یا لازم) در یک کلمه واقع شوند.

مثال: سکون لازم ← حرف ع در كَهَيْعَصَ ، عَسَقِ

مثال: سکون عارضی ← يَوْمَ ، خَوْفٌ ، السَّوَاءُ ، فِرْعَوْنُ ، الطَّيْرُ ، مِنْ شَيْءٍ

**نکته ۱:** مقدار کشش مدّ لین ۲ یا ۴ یا ۶ حرکت می باشد.

**نکته ۲:** در مدّ لین باید توجه داشت که از کشیدن فتحه قبل از حرف لین بجای کشش (و یا ی یعنی حرف لین) خود داری کرد.

(فتحه کشیده نمی شود و این «و» و «ی» هستند که کشیده می شوند.)

تمرین = سوره قريش

**نکته ۳:** در مدهایی که مقدار کشش آنها متفاوت بیان شده است، در صورت انتخاب یک وجه، باید تا آخر آن تلاوت به همان وجه، تلاوت شود (توازن در مدهای یک تلاوت)

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين